

ترجمه: شهلا فرید

(نشریه آلمانی فرایتاگ)

در پایان ژانویه ۲۰۰۱ شهر پورتو الجرو در برزیل ، پذیرای جنبش‌های مردمی از سراسر جهان به منظور تشکیل اولین اجلاس اجتماعی . جهانی می‌باشد. اجلاس اجتماعی . جهانی اجلاسی است از تشکلهای مختلف از کشورهای امریکای لاتین، افریقا و آسیا و بنوعی ادامه جنبشی است که در سال ۱۹۹۹ در سیاتل در اعتراض به کنفرانس سازمان تجارت جهانی و سپتامبر گذشته در پراگ به نشست سالیانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شکل گرفت .

دوران پس از جنگ را از نظر انتگراسیون اقتصاد جهانی می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره برتون . وود تا اوایل سالهای دهه ۷۰ ، در این دوره ارزش پول تنظیم می‌شد و بر انتقال سرمایه کنترل صورت می‌گرفت. سپس دوره فروپاشی سیستم برتون . وود فرارسید. بسیاری از اقتصاددانان از دوره اول بعنوان „سالهای طلایی“ سرمایه‌داری صنعتی و از دوره دوم بعنوان „سالهای تیره“ نام می‌برند. دوره دوم در سرتاسر جهان با سقوط شاخص‌های اقتصاد بزرگ (درصد رشد، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری) و افزایش نلبرابری‌های اجتماعی شناخته می‌شود که با پدیده „گلوبالیسم“ و سیاست تعدیل ساختاری و „رفرم‌ها“ مشخص می‌شوند. این سیاست از سال ۱۹۹۰ در اکثر کشورهای جهان سوم بکار بسته شده و همچنین در کشورهای درحال گذار اروپای شرقی توصیه می‌گردد. در کشورهای بزرگ صنعتی مانند ایالات متحده و انگلستان نیز شکل دیگر همین سیاست دیده می‌شود. در امریکا حقوق اکثر کارکنان در این دوره یا ثابت ماند و یا پایین آمد در حالی که ساعات

کار اغلب بطرز چشمگیری افزایش یافت. سطح سیستم تامین اجتماعی بتدریج نزول کرد. در «سالهای طلایی» شاخص اجتماعی تابع تولید ناخالص ملی بود. از اواسط دهه ۷۰ این شاخص مرتبا پایین آمد و به حد ۴۰ سال پیش رسید. مترادف گلوبالیسم توسعه «تجارت آزاد» قرار داده می‌شود که یک مفهوم گمراه‌کننده است، زیرا که بخش اعظم تجارت جهانی بین شرکت‌های غول انجام می‌گیرد. و غیراز آن روند اتحادهای استراتژیک کنسرن‌های فراملیتی تشدید شده است. پروسه اتحاد کنسرن‌های بزرگ بطور معمول می‌تواند روی حمایت وسیع دولت‌ها حساب کند با این هدف که ریسک و هزینه شرکت‌ها را اجتماعی کند. این عوامل مشخصه های اقتصاد امریکای شمالی در طی دهه‌های گذشته بودند.

معاهده بین‌المللی «تجارت آزاد» شامل ترکیب غیرشفافی از لیبرالیسم و پروتکسیونیسم (سیاست حمایتی گمرکی برای تولیدات ملی) در بسیاری از عرصه‌های استراتژیکی می‌باشد، مانند صنعت داروسازی، که کنسرن‌ها با ائتلاف‌های عظیم سودهای کلان از طریق انحصار قیمت برای خود تضمین کردند. مشخصه مهم باصطلاح «سالهای تیره» گسترش بی‌اندازه حجم در گردش کوتاه مدت سرمایه مالی است تا جایی که امکان برنامه‌ریزی دولت‌ها را کاهش داده و در نتیجه حق حاکمیت مردم را در کشورهای دمکراتیک محدود می‌کند. امروزه شکل «تجارت» بطورکلی تغییر کرده است، زیرا بخش بزرگی از کالاها در کشورهای ثروتمند در گردش است و توسط شرکت‌های عظیم کنترل می‌شود. غیراز تهدید دائمی شرکت‌های بزرگ مبنی بر انتقال تولید به کشورهای دیگر، وضعیت توصیف شده سلاحی نیرومند علیه کارکنان و همچنین دمکراسی می‌باشد. سیستم منتج از آن را می‌شود بعنوان (مرکانتالیسم کنسرن‌ها) طبقه‌بندی کرد، جایی که در آن تصمیمات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی هرچه بیشتر در نهادهای خصوصی تمرکز می‌یابد بدون آنکه مکانیسم کنترل اجتماعی بر آن اعمال شود. این تمرکز قدرت یادآور جمله قابل فکر جیمز مدیسون بنام «ابزارها و دیکتاتوری دولت‌ها» است که در آن او ۲۰۰ سال پیش تهدیدی برای دمکراسی را هشدار داده بود.

همانگونه که انتظار می‌رفت، انتگراسیون جهانی دوره دوم پس از جنگ اپوزیسیون مهمی در سراسر جهان بوجود آورد. اجلاس اجتماعی جهانی در برزیل از این زاویه، فرصتی را برای اتحاد نیروهای مردمی از رنگها و نژادهای مختلف از کشورهای ثروتمند و فقیر فراهم می‌کند تا در راستای دفاع از اکثریت مردم تحت ستم دنیا، که حقوق اولیه‌شان دائما در معرض تعرض است، ساختار آلترناتیوی ارائه دهند.